

هر مصرع و هر زمان یک سبک و یک زبان صادق سر

فصل اول

تقسیم بندی سبکهای شعر فارسی

سخن حق در باب سبک شاعران و نویسندگان آن است که بگوییم: هر شاعر یا نویسنده‌ای سبک خاص به خود را داراست و شیوه سخن هر یک از دیگری ممتاز و جداست (۱) چنانکه در مقام بیان اخلاق فردی و چگونگی رفتار روانی هر انسانی گفتن این که اخلاق هر فرد از دیگری ممتاز است سخنی در خور و بایسته است. اجمال بحث اینکه: هر انسانی چه از دیدگاه ساختار بدنی و جسمانی و چه از نظر مراتب روانی و روحانی خاصه‌های مخصوص به خود را دارد و هرگز یک فرد آدمی عین آن دیگری نیست (۲) سبک و روش اندیشیدن، سخن گفتن، شعر سرودن و هنر آفریدن هیچ فردی هم عین سبک و روش آن دیگری نیست. بدین روی برترین کار سبک شناسانه آن است که خصایص سبکی و هنری و ذوقی هر شاعر و نویسنده‌ای را جداگانه به محک نقد آشنا سازیم و خوب و زشت شعر هر یک را از آن دیگری باز نماییم. این کار روشی علمی و دقیق و کاملاً مطابق با واقع است و از آن می‌توان به «سبک فردی یا شخصی» تعبیر نمود. اما از باب اینکه در سبک سخن جمعی از شاعران و نویسندگان، اشتراکات و شباهتهایی وجود دارد می‌توان این اشتراکات را ملاکی گرفت برای اینکه گروهی را در تحت یک عنوان سبکی قرار دهیم که آن را اصطلاحاً «سبک دوره‌ای» یا «مکتب دوره‌ای» نامیده‌اند. چنانکه همین طبقه بندی در نامیدن اخلاق انسانها نیز صادق است مثلاً می‌گویند:

انسانهای خوش اخلاق، بد اخلاق، خونسرد، خونگرم و نظایر آنها.
سبکها یا مکتبهای دوره‌ای شعر فارسی:

ترسیم سبکهای دوره‌ای شعر فارسی رسمی معمول است و صاحب‌نظران سبک‌شناسی بدان روی می‌کنند و بعضاً اختلافاتی نیز بینشان در این باب روی می‌دهد. به نظر نگارنده ترسیم زیر در این مبحث مطلوب و به صحت مقرون است:

۱ - سبک «خراسانی» یا «ترکستانی»^(۳): این سبک خود به سه بخش تقسیم می‌شود:

الف: سبک خراسانی دوره‌های «طاهریان» و «صفاریان».

ب: سبک خراسانی دوره «سامانیان».

ج: سبک خراسانی دوره «غزنویان».

۲ - سبک بینابین (خراسانی - عراقی): این سبک در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم رایج بود و در شاعرانی همچون: ناصر خسرو قبادیانی، سنایی غزنوی، مسعود سعد سلمان، لامعی گرگانی، ازرقی هروی و سید حسن غزنوی متعین است.

۳ - سبک «عراقی»^(۴): این سبک که پربسامدترین سبک شعر فارسی است به بخشهای زیر قابل تقسیم است:

الف: سبک عراقی «قرن ششم».

ب: سبک عراقی «قرن هفتم».

ج: سبک عراقی «قرن هشتم».

دال: سبک عراقی «قرن نهم».

ه: سبک عراقی «قرن دهم».

۴ - سبک «آذربایجانی»: این سبک در قرن ششم به وجود آمد و در شاعرانی همچون: نظامی گنجوی، خاقانی شروانی، ابوالعلاء گنجوی، فلکی شروانی و مجیر الدین بیلقانی متعین است.^(۵)

۵ - سبک «وقوع» و «واسوخت»: این مکتبها در اواخر قرن نهم بوجود آمدند و در قرن دهم رایج بودند. در واقع می‌توان این دو مکتب را مقدمه سبک هندی یا اصفهانی دانست.^(۶)

۶ - سبک «هندی» یا «اصفهانی»: این سبک خود پهنه‌ای وسیع در دنیای شعر

فارسی دارد و تقسیمات گوناگونی بر آن مترتب است که از آن جمله می‌توان به تقسیمات زیر اشارت کرد:

الف: سبک هندی رقیق مثل اشعار بابا فغانی شیرازی یا بعضی از شعرهای وحشی بافقی یا نظیری نیشابوری.

ب: سبک هندی معتدل مثل اشعار صائب تبریزی، کلیم کاشانی، عرفی شیرازی، طالب آملی، حکیم رکنای کاشانی، شاپور طهرانی و دهها شاعر دیگر.

ج: سبک هندی پیچیده یا غلیظ مثل اشعار بیدل دهلوی، میرزا غالب دهلوی یا ظهوری ترشیزی. تقسیم دیگری که از این سبک می‌توان کرد آن است که آن را به مکتب اصفهان و مکتب هند تقسیم نماییم. (۷)

۷- سبک «بازگشت ادبی»: این سبک خود به دو دوره تقسیم می‌شود:

الف: دوره افشاریه و زندیه.

ب: دوره اول قاجاریه. (آقا محمد خان، فتحعلی شاه، محمد شاه و ناصرالدین شاه). (۸)

۸- سبک «مشروطیت»: این سبک که در واقع دنباله سبک بازگشت ادبی است متعلق است به اشعار زمان انقلاب مشروطیت و دوران احمد شاه قاجار و رضا شاه و تا اوایل سلطنت محمد رضا شاه را نیز در بر می‌گیرد. (۹)

۹- سبک «نو» یا «معاصر» (۱۰). این سبک نیز به انواع زیر قابل تقسیم است:

الف: سبک «کهن سرای معاصر» یا شاعران «سنت‌گرای معاصر» یعنی شاعرانی که از نظر وزن و قافیه و نوع ادبی متعهد به قوانین شعر کلاسیک و سنتی فارسی می‌باشند. این سبک در شعر شاعرانی همچون: رهی معیری، جلال الدین همایی، متخلص به سنا، دکتر مهدی حمیدی شیرازی، بدیع الزمان فروزانفر، امیری فیروزکوهی، دکتر مظاهر مصفا، فریدون توللی، خلیل الله خلیلی و دکتر پرویز ناتل خانلری متعین است.

ب: شعر نیمایی (به نام بنیانگزار آن نیما یوشیج).

ج: شعر سفید، آزاد و شعر شاملویی.

د: موج نو و موج ناب.

البته واضح است که موارد مذکور مربوط است به شعر فارسی در ایران بعد از اسلام یعنی؛ شعر عروضی فارسی دری. بحث و بررسی سبک شناسانه در باب شعر

فارسی ایران قبل از اسلام که شعری «هجایی» بوده است خود مباحثی دیگر را می‌طلبد.

بعضی از صاحب‌نظران بین «سبک» و «مکتب» فرق قائل شده‌اند و معتقدند که تقسیمات فوق از سیر سبک‌های شعر فارسی تقسیمات مکاتب شعری است و مثلاً بهتر است بگوییم: مکتب خراسانی، مکتب عراقی، مکتب آذربایجانی، مکتب هندی و غیره. و سبک را تقسیم کنیم به سبک عالی، خوب، متوسط، ضعیف و پست که شعر شاعران در هر مکتبی از این جهت قابل بررسی و دقت نظر است مثلاً در شعر مکتب عراق شاعرانی همچون مولانا جلال الدین بلخی، حافظ شیرازی، سعدی شیرازی دارای سبکی عالی و والا‌یند و شاعرانی همچون سلمان ساوجی، عبیدزاکانی، عبدالرحمن جامی شاعرانی خوب و بعضاً متوسط هستند و شاعرانی چون امامی هروی، مجدالدین همگر، آصفی هروی، در مرتبه‌ای پایین‌تر قرار می‌گیرند. و از این نوع مقایسه‌ها و تقسیم بندی‌ها در شعر شاعران پارسی زبان نمونه‌هایی می‌توان یافت مثلاً خاقانی آنجا که - طبق معمول - به مفاخره می‌پردازد شاعران هم مکتب خود همچون: مجیر و فلکی را به چیزی نمی‌انگارد و سبک شعری آنها را هم ردیف خود نمی‌شناسد:

مشتی خسیس ریزه که اهل سخن نیند با من قران کنند و قرینان من نیند
چون ماه نخشبند مزور از آن چو من انجم فروز گنبد هر انجمن نیند (۱۱)

یا منوچهری دامغانی در قصیده مشهور خویش که در طعن حاسدان سروده چنین می‌گوید:

حاسدم گوید چرا خوانند کمتر شعر من

زان تو خوانند هر کس هم بنات و هم بنین

شعر من ماء معین و شعر تو ماء حمیم

کس خورد ماء حمیمی تا بود ماء معین (۱۲)

واضح است که چه در شرق و چه در غرب انواع سبک‌ها را از لحاظ‌های گوناگون تقسیم بندی کرده‌اند مثل تقسیم بندی بر حسب دوران، بر حسب نگارش، بر حسب نوع کلام و مانند آن. و هر یک در جای خود نقائص و مزایایی دارد که بحث و بررسی و تحقیق در باب آنها خود کتابی و مقالی دیگر را می‌طلبد. (۱۳)